

متن کامل مناظره احمدی نژاد و موسوی



مجری: آقای احمدی نژاد قاعدتاً هر کسی دارای دغدغه‌هایی است و شما هم دغدغه‌های ذهنی فردی و اجتماعی دارید و می‌خواهید در صحنه باشید به عنوان کاندیدا در این رقابت، به عنوان ریاست جمهوری احتمالی مهمترین دغدغه‌های شما که باعث شده شما در صحنه باشید چه هست؟

ج- بسم الله الرحمن الرحيم- اللهم عجل لوليک الفرج والعافیة والنصر ... من ابتدا خدای بزرگ را شاکرم که فرصت داد یک دوره در خدمت ملت عزیز ایران باشم و از مردم خوبمان به خاطر همه حمایت‌ها و بزرگواریها و همراهی هایشان تشکر می‌کنم و آرزو می‌کنم که ملت ایران همواره سربلند باشد.

یاد امام عزیز، شهدای بزرگوار، ایثارگران، جانبازان و آزادگان را گرامی می‌داریم که راه سربلندی را در برابر ما قرار دادند و امروز هر چه داریم از آنهاست.

انتخابات عرصه بسیار مهم سرنوشت است، انتخابات در کشور ما فقط انتخاب یک فرد نیست بلکه انرژی گرفتن ملت برای پرشهای بلند به سمت قله‌های عزت و پیشرفت است.

فضای انتخابات باید فضایی پرشور و نشاط باشد، فضای انتخابات باید سرشار از منطق و دوستی‌ها و هم افزاییها و برادری‌ها باشد.

من می‌خواهم در ابتدای عرایض گله بکنم از برخوردهای بسیار غیرمنصفانه و ظالمانه بلکه دروغ پردازی‌های بزرگ و تخریب بی‌سابقه‌ای که علیه یک دولت انجام شده است در طول تاریخ بعد از انقلاب ما نداشتیم چه در طول دوران یک دولت چه در آیام انتخابات این قدر هجمه سنگین علیه دولت، به‌نظرم علتش این است دوستانی که تصمیم گرفتند وارد عرصه بشوند احساس کردند که در هیچ یک از عرصه‌های مثبت و سازنده قدرت رقابت با این دولت را ندارند به‌خصوص در عرصه خدمات گسترده دولت که بی‌نظیر بود در هر بخشی که ما وارد می‌شویم در مقایسه با دولت‌های قبل گرچه آنها خدمات ارزشمندی را داشتند کار دولت به اندازه چند دولت بوده است.

به‌خصوص در عرصه بین‌الملل متأسفانه پیروزیهای بزرگ ملت را هم انکار کردند خدمات دولت را به‌طور مطلق منکر شدند ای کاش به جای این همه تخریب و این تبلیغات سنگین و بی‌سابقه یک برنامه‌ای ارایه می‌شد، متأسفانه در تبلیغات انتخاباتی به ملت بزرگ ایران توهین شد که من بسیار متأثر شدم ما چرا باید مردم را از خودمان ناامید کنیم چرا باید این قدر خودمان را شیفته قدرت نشان بدهیم من شخصاً علاقه مند به ورود به این بحث‌ها نبودم چهار سال تحمل کردم و از همه توهین‌ها و افتزائی که به‌خود من شد و نسبت داده شد گذشت کردم الان هم می‌گذرم بارها اعلام کردم که من همه را بخشیده‌ام اما از توهین به مردم، توهین به انتخاب مردم از توهین به فهم و شعور مردم و منافع مردم نمی‌توانم بگذرم اجازه ندارم، مردم این اجازه را نمی‌دهند که وقتی که حیثیت آنها مورد هجوم قرار می‌گیرد یک خادم آنها گذشت بکند.

در دیدارهایی که من با مردم دارم در شهرهای گوناگون قشرهای گوناگون به طور گسترده از من می‌خواهند که از حق آنها دفاع کنم از موضع آنها دفاع کنم من باید ریشه این بد اخلاقی‌ها، این جفاها و این فریب‌ها را به مردم بگویم.

قبلاً هم وعده کرده بودم که بگویم باور من این است که امروز آقای موسوی در برابر من نیست تنها آقای موسوی نیست بلکه سه دولت پی در پی در برابر بنده قرار گرفته‌اند هم آقای موسوی هم آقای هاشمی و هم آقای خاتمی که این سه در گذشته باهم بودند در دور گذشته هم آقای موسوی از آقای خاتمی حمایت کرد و هم از آقای هاشمی حمایت کرد و هم آقای خاتمی از آقای هاشمی حمایت کرد در واقع اینها همه باهم بودند از روز اولی که این دولت تشکیل شد هجوم‌ها بود برای ضربه زدن البته مردم اینها را می‌دانند اما باید جوآنها هم بدانند که بنده در برابر یک کاندیدا نیستم در برابر یک مجموعه‌ای هستم که با محوریت آقای هاشمی و همکاری آقای موسوی و خاتمی علیه بنده حرکت کردند.

علت این فشار سنگین به بنده در طول چهار سال و فشارهای سنگین‌تر در آیام انتخابات به نظر من به یک مسئله برمی‌گردد اینکه در این سه دوره یک ساختار اداری و حلقه‌های مدیریتی شکل گرفت که از مسیر انقلاب و ارزشهای انقلاب فاصله گرفت نه اینکه در این سه دوره خدماتی نشد چرا شد اما آرام آرام یک جریانی شکل گرفت که خود را مالک ملت، مالک انقلاب، حاکم بر مردم و دست خودش را در بیت المال و مسایل کشور باز می‌دید.

آنها در انتخابات قبل صف‌آرایی کردند اما ملت بر آنها غلبه کرد در طول این چهار سال تلاش کردند که دولت را ناموفق جلوه بدهند و بشکنند اما خدای متعال عنایت کرد با حمایت مردم تا اینجا آمدیم. در انتخابات قبل از داخل و خارج رقیب من پشتیبانی شد و کمک شد در همان اوایل این دولت آقای هاشمی پیغامی برای یکی از این پادشاهان حاشیه خلیج فارس فرستاد که شما نگران نباشید ظرف شش ماه این دولت ساقط می‌شود که بعداً افرادی رفتند توضیح دادند و مسأله تا حدودی حل شد معنای این حرف به روشنی طراحی‌های گسترده علیه این دولت را می‌رساند در حالی که این دولت در خدمت مردم بود، در مدت کوتاه چهار سال افتخارات بزرگ در عرصه‌های داخلی و جهانی به وجود آورد که البته کار ملت است، می‌بینیم امروز ملت با

نشاط هستند ظرفیت‌های ملت در حال شکوفایی است در عرصه‌های علمی فن آوری در عرصه‌های سیاسی به خصوص در سیاست خارجی امروز ملت ایران عزیز و عزیزترین ملت‌هاست اما همه اینها نادیده گرفته می‌شود و سنگین‌ترین دروغها و تهمت‌ها در طول چهار سال به خصوص در طول سه ماه اخیر من البته آقای موسوی را دوست دارم همیشه هم به ایشان احترام گذاشته‌ام اما اتفاقی که در این سه ماه افتاد برای من قابل توجه نیست.

جناب آقای موسوی برای اینکه متوجه بشویم در کشور مشکل هست و اعتیاد هست ما نیاز نداریم که برویم یک بازیگر را بیاوریم در اتوبوس تا بفهمیم اعتیاد هست شما چند تا سفر کردید متوجه شدید که در کشور مشکلات هست آیا این مشکلات در چهار سال ایجاد شده است پس 24 سال چه، یعنی یک گلستانی را دوستان جنابعالی متحدان جنابعالی به من بنده تحویل دادند و بنده این را تبدیل کردم به یک خرابه هیچ اتفاق مثبتی هم نیفتاده است تازه معلوم شده که بنگاهها مشکل دارند تازه معلوم شده که بیکاری هست شما چهار تا شهرستان و استان رفتید بنده همه ایران را دیده‌ام اگر بنا باشد از مشکلاتی که مردم دارند صحبت کنم تمام وقت این مناظره را هم اختصاص بدهیم باز وقت کم می‌آوریم.

تازه معلوم شده است در گذشته ما بیکاری نداشتیم، اعتیاد نداشتیم، کارگاه‌ها مشکل نداشتند، مشکلات اقتصادی و کشاورزی نبود، مشکل صنعت نبود همه اینها در این دوره، ای کاش شما برنامه ارایه می‌دادید.

من به شوخی در یک جایی گفتم خوب شد که من هم داوطلبم والا این سه عزیزی که امروز کاندیدا هستند چه می‌خواستند به مردم بگویند و این جمله را هم بگویم در همین عرصه رقابت هم رقابتی بین چهار نفر نیست سه نفر علیه یک نفر است. همه حرف‌ها حتی مناظره دیشب مناظره نبود علیه یک نفر بود به نظرم این فاقد منطق است ما باید بیاییم بر مبنای عدالت و منطق کار کنیم.

مجری: آقای موسوی بفرماید.

موسوی: بسم الله الرحمن الرحيم... من از همه بیننده‌ها و تماشاکننده‌ها تشکر می‌کنم و صحبت‌های خوبی هم مطرح شد که بنده به صورت روش مند می‌خواهم با آن برخورد کنم و جواب بدهم.

اولا بنده دوست داشتم که آقای احمدی نژاد موفق باشند در کارهایشان و بنده وارد این عرصه نشوم و اگر چنین اعتقادی پیدا می‌کردم قطعاً برخوردم لازم می‌دیدم که در آن کاری که هستم باشم و وارد این عرصه نشوم، دوسه تا نکته می‌گویم و به اصل قضیه می‌پردازم.

آقای هاشمی و آقای خاتمی اشخاص بزرگی هستند که خودشان با آقای دکتر باید مناظره کنند و جواب خودشان را بدهند و بنده یک مشکلاتی با دولت دارم و به خاطر خطری وارد این صحنه شدم که درمورد آن صحبت خواهم کرد و وارد دوران آقای هاشمی و خاتمی نخواهم شد.

چهار سال از این مدتی که ایشان می‌فرمایند مربوط به دوره بنده هست و دوره حضرت امام که راجع آن اگر لازم باشد توضیح خواهم داد.

من همیشه ایران را دوست داشتم و این عشق فکر می‌کنم با همه ماها قرین هست، هیچ ایرانی را فکر نمی‌کنم که به ایرانیت خودش افتخار نکند و نگران آینده ایران نباشد و نگران مشکلاتش نباشد همه دلشان می‌خواهد ایران را بزرگ بینند و سرافراز بینند.

ما دوست داشتیم که ایران یک نقشی داشته باشد به‌عنوان قدرت اول منطقه در همه شئون علمی و اقتصادی، آبرو داشته باشد الگویی باشد برای همه جهان پس انقلاب کردیم، برای اینها انقلاب کردیم که ایران بزرگ بشود، ایران اسلامی بزرگ باشد، تأثیر گذار باشد و بتواند ترجیحاً اثر گذار باشد و پیام خودش را به همه جهان برساند منتهی در برخورد با حل مسایل کشور و اینکه ما ایران را به جایگاه واقعی خودش برسانیم من احساس می‌کنم که دو نوع می‌شود روبه‌رو شد دو نوع مدیریت می‌شود داشت یکی مدیریتی هست که براساس ماجراجویی و بی‌ثباتی، رفتارهای نمایشی و قهرمان نمایی و شعاری است، خیال بافی و خرافه گرایی است و خلاف گویی و پنهان کاری است خودمحوری و قانون گریزی است سطحی نگری و روزمرگی است و افراط و تفریط.

من بقیه بحث‌هایم را در این چهار چوب پیش خواهیم برد. یک موردی هم هست که ما بیاییم بر اصل متانت رفتارهای منطقی و کارشناسی شده، واقع بینی و خرافه ستیزی، شفافیت و... قانونگرایی و اتکا به خرد جمعی دور اندیشی و آینده نگری و اعتدال و میانه روی کار کنیم.

ما اگر می‌خواهیم ایران نیرومند داشته باشیم من فکر می‌کنم که آن رفتار دوم مناسبتر است یعنی ما بر اساس آن باید عمل بکنیم خوب در اینجا بحث هست... که برنامه‌ها را نوشته‌ام و ادامه دادم و فکر می‌کنم که بنده سه تا برنامه و مناظره دارم که مورد علاقه مردم است و اینها را مکمل همدیگر می‌دانم برعکس آقای احمدی نژاد فکر می‌کنم که اینها می‌تواند فرصتی باشد که به تدریج هم برنامه‌هایم را بگویم و هم نقطه نظراتم.

آن چیزی که در این جلسه مهم است بگویم انگیزه اصلی بنده هست، برای این آمدنم به صحنه، حقیقت این است که بنده در مورد آینده کشور احساس خطر کردم با این مدیریتی که حاکم هست و چون بحث از سیاست خارجی شروع شد من مستقیم به سیاست خارجی می‌پردازم و بعد به مسایل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازم.

یکی از مشکلاتی که ما داریم من موردی صحبت کنم، کیس به کیس یا مورد به مورد که قابل لمس برای همه مردم ما باشد کلی صحبت نخواهم کرد نمونه نشان خواهم داد.

یکی از مشکلات ما عدم تناسب شعارهایی است که داده می‌شود تا عمل شعارها بیشتر جنبه اسطوره‌پردازی و به نظر من یک مقدار زیادی خیال‌پردازی در مورد آینده جهان هست و متأسفانه [این که گفته می‌شود] آینده فلان کشور در حال فرو ریختن است و تمدن دارد از بین می‌رود و یا اینکه ما مدیریت جهان را می‌کنیم و امثال اینها، پشتوانه عملی به نظر من هیچی نیست مثال مسئله آزاد سازی ملوانان انگلیسی، ملوانان انگلیسی به حوزه ما تجاوز کردند نیروهای ما سرسیدند آنان را دستگیر کردند و کار افتخار آمیزی کردند و باید مورد تایید قرار می‌گرفتند بعد بلافاصله بر اساس همین چارچوبی که اشاره کردم ما اول گفتیم اینها باید اعدام بشوند چرا آمدند درس زمین ما، یک بحران بزرگ جهانی ایجاد کردیم بعداً هم تصمیم گرفتیم به تن آنها

کت و شلوار بپوشانیم و بعد رییس جمهور ما که مسولیتش و منزلتش متعلق به خودش نیست متعلق به مردم است و متعلق به شما [مردم] است آمد از آنها خداحافظی کرد و بایک مراسم که حتی برای سران کشورهای دیگر هم انجام ندادیم آنها را راه انداختند و رفتند [البته] بعد از نهبی که ما از انگلستان داشتیم. آیا این عزت ملت ما را حفظ کرد من فکر می‌کنم نه. این جور چیزها هم خسارت می‌آورد از نظر امنیت ذهنی مردم ما و هم از نظر عزت آنها وهم اینکه سیاست خارجی ما را دچار یک فراز و نشیبی می‌کند که نمی‌توانیم با هزینه‌هایی که می‌پردازیم مشکلاتمان را حل کنیم.

بعد یک مسافرتی رییس کشور ما داشتند به عراق بدون اینکه معلوم بشود از کجا و چگونه مطرح کردند که من را می‌خواهند برابند یک هزینه زیاد بکنند اگر می‌ربایند چطور آمریکایی‌هایی بنزین هواپیمای دولتی ما را در آنجا تامین کردند، وبعد ما در عراق رفتیم به منطقه خضرا منطقه‌ای که تحت تسلط آمریکایی‌ها است در آنجا ملاقات‌های مان را کردیم و بعداً با سربازان آمریکایی هم عکس گرفتیم برگشتیم. همین مسئله در ایتالیا تکرار شد من می‌گویم که آیا ما باید تصورات خودمان را این قدر گسترش بدهیم که در حوزه سیاست خارجی ما که مربوط به صحنه منافع ملی ماست این را گسترش بدهیم، آیا این می‌تواند مشکلات ما را حل بکند یا مشکل ایجاد می‌کند برای ما و هزینه‌های گزافی دارد.

بعد مسئله عربستان پیش می‌آید آن طوری که بارها گفتند و بنده با واسطه هم شنیدم و آن قدر هم گفته شد، من قدیم هم بالاخره مسولیت داشتم خیلی مهم است که چگونه از آدم دعوت بکنند چگونه به یک مسافرتی برود بعد ما از این طرف پیغام دادیم که ما را بخواهید ما را دعوت کنید ما بیاییم وهمه دوستانی که در وزارت خارجه و جاهای دیگر هستند و از ملک عبدالله هم بنده نقل قول با واسطه دارم در مورد همین خواست ما برای اینکه از ما دعوت بشود که به آنجا برویم.

بعد وقتی ما می‌رویم آنجا حالا باید یک نتیجه بدهید برای مسافرتی که ما چند دفعه رفتیم آنجا و برگشتیم، نتیجه باید بگیریم. این وضعیت زوار ما است یا رابطه ما با عربستان هست که آیا بهتر شده یا بدتر شده.

بعداً آمدید از قول رییس آن کشور علیه وزیر خارجه‌اش یک صحبتی کردید که بخش قابل توجه آن خاندان و آن وضعیتی که در عربستان هست و حتی برای کشور خودمان مشکل ایجاد کردیم ما می‌گوییم چرا این هزینه‌ها را ما ایجاد کنیم؟ به حساب کی این کارها را می‌کنیم آیا اثرش کم است یا زیاد است؟

بعداً بارها شنیدیم که آمریکا دارد از بین می‌رود، خب اگر این طور هست چرا چهارم‌رتبه مسافرت کردیم انجا چرا دوتا نامه نوشتیم، چرا دایم دنبال این هستیم که به شکل خاصی با آنها صحبت کنیم، پیش رییس جمهوری سوییس رفته صحبت کرده، فکر نمی‌کنم که یک کسی چنین ریسک بکند و دروغ بگوید که از ما خواسته شده به او با ما گفته شود قبل از انتخابات با ما صحبت کند و مسأله رابطه آمریکا و ایران به نوعی مشکلاتش حل بشود یا گفت و گو شروع بشود.

خوب آیا این بنفع کشور ماست، من تند می‌گویم برای اینکه یک سرفصل‌هایی بدهم صحبت از سیاست خارجی شروع شد.

اتفاقاً ما در زمینه سیاست خارجی هم عزت ملت خودمان را مخدوش کردیم و لطمه زدیم آبروی کشور خودمان را بردیم و هم توسعه داخل کشور خودمان را با مشکل مواجه کردیم، تنش وسیعی با کشورها ایجاد کردیم.

مسئله هولوکاست را ما مطرح کردیم و دوباره بعد از اینکه خسارتهایی دیدیم از مجمع عمومی یک مصوبه گذراندند که دیگر این مسئله جرم شد که اگر کسی راجع به هولوکاست صحبت کند، اخیراً هم در سوییس که آن ماجرا پیش آمد واقعا تصویرش را من اگر نمی‌دیدم باورم نمی‌شد که تا این اندازه اهانت به رییس جمهوری ما که مظهر ملت ما است و مظهر کشور ما است بشود، ایشان نباید راضی باشند.

من در بندهای بعدی خاطره‌ای از حضرت امام نقل می‌کنم که چه قدر در زمینه حیثیت جمهوری اسلامی حساس بوده و بعداً آمدیم این را به عنوان یک حماسه مطرح کردیم، چه حماسه‌ای جز اینکه یک مصوبه دیگر برای هولوکاست دادند جز اینکه اروپا رابطه‌اش با اسرائیل

بد شد به خاطر جنایت غزه اما به دلیل این صحبت‌ها آمد پشت سر اسرائیل قرار گرفت ما کجا توانستیم تامین منافع خودمان را در سطح جهان داشته باشیم.

صرف اینکه ما صحبت بکنیم و بگوییم که اینها اثری نداشته مسایل را حل نمی‌کند مردم ما اثرات این سیاست‌ها را می‌چشند. عدم امنیت ذهنی خودشان را در اقتصاد و صنعت، در مبادله‌ای که با جهان دارند در بی‌اعتبار شدن گذرنامه‌های‌شان، در سطح بین‌المللی تحقیر شدن ایرانی‌ها در سراسر دنیا را درک می‌کنند، آیا یک دولت در مقابل این مسئله ایرانی و ایرانیت برای خودش یک مسولیت دارد یا ندارد؟

من می‌گویم که دولت بسیار بی‌اعتنا به این نوع مسایلی است که مربوط به رنج و درد و مشکل مردم است واقعاً من دلم برای مردم می‌سوزد با این سیاست‌هایی که ما داریم و این بلاهایی که سرشان می‌آوریم از این طریق این افراط کاری‌هایی که ما داریم و اینها را من بر می‌گردم به آن دید اول که متأسفانه در سیاست خارجی ما است.

بعد مسایل دیگری که مطرح شد، آقای هاشمی گفتیم مرد بزرگی است امام هم راجع به ایشان صحبت کرده بود، نقاط ضعف و قدرتش را ایشان می‌تواند صحبت بکند. یک کمی سن من هم زیاد است. در عالم سیاست قبل از انقلاب و بعد از انقلاب هم بودم مردم یک کمی فکر دارند. ما برای اینکه بگوییم خیلی تنها ماندیم سه تا دوره را بهم پیوند بدهیم! این که سه تا طرز فکر است! برای اینکه ما در مقابل این طرز فکر قراردادیم خوب مردم این را نمی‌پذیرد.

چرا اصلاً ما این بحث را می‌کنیم؟ خوب آقای خاتمی که آدم کمی هم نیست، آدم سیاسی مطرح در سطح کشور هست، هشت سال هم رییس جمهوری بوده. آقای هاشمی هم همینطور ایشان مجال صحبت و گفت و گو با آنها را دارند می‌توانند در رادیو تلویزیون این صحبت‌ها را برقرار کنند ماشالله صدا و سیما هم که در اختیار دوستان هست به‌طور ظاهر می‌توانند دعوت کنند در یک میز گردی با آنها صحبت بکنند مسایل را حل کنند چه ربطی به عقاید بنده دارد؟

بنده می‌گویم این سیاست خارجی شما باعث شده که کشور لطمه و حیثیت ما لطمه ببیند و این شیرگران ایرانی را در بند بکند هم سیاست خارجی و اقتصادی شما. برمی‌گردم به یک مسئله دیگر

در رابطه با همبستگی ملی. ما چه کار داریم می‌کنیم چه بلایی سردانشگاهایمان و محیط‌های جوانان و مردم آوردیم که بنده هر جا می‌روم اعتراض است هر جا می‌روم می‌گویند به ما اهانت شده است. این دانشجو را ستاره دار کردیم آن را دستگیر کردیم آن یکی را دستگیر کردیم آن را از دانشگاه بیرون کردیم.

بنده یک روشنفکر هم هستم، فردی می‌آید پانزده بار کتابش چاپ شده، مجوز از همین دولت گرفته در چاپ شانزدهم جلویش را می‌گیرند آخر دولت حیثیتی دارد، نظام ما حیثیتی دارد هر دولتی باید مقید باشد به آن امضاها و حرف‌هایی که می‌زند سر حرفش باید بایستد الان شما خود مردم، خود انتشاراتی‌ها می‌دانند این انتشاراتی‌ها در این چهار سال چند تا بودند به چند تا رسیدند و چند هزار تا کم شدند چه مشکلاتی دارند.

ببینید یک کارهایی می‌شود که واقعاً دردناک است و آدم را اذیت می‌کند بالاخره همه ما یک هویت اسلامی ایرانی داریم، انسانی هستیم، شما فکر کنید یک کتاب فروش بدبخت و بیچاره‌ای که با زور یک بیست جلد کتاب چاپ کرده کافی است که وزارت ارشاد چهار تا از این کتابها را در حبس نگه دارد در چاپ دوم و سومش ورشکست می‌شود همین‌طور که دارند ورشکست می‌شوند خوب این در مقابل نظام قرار می‌گیرد علت اینکه این همه هنرمند در مقابل دولت هستند برای چیست، بنده اعتقاد دارم که هنرمندان خیلی سیاسی نیستند و در سیاست روز اصلاً وارد نمی‌شوند اما به تنگ آمده‌اند، مشکل پیدا کرده‌اند در سطح ملی به دلیل همین سیاستها و حالا خود روحانیت هم از یک طرف دیگر رابطه دولت با روحانیت را ما می‌بینیم که به چه شکل است، مرجعیت چگونه با دولت روبه‌رو می‌شود و توهین‌هایی که در آموزش و پرورش به پیامبر اسلام شد. چه واکنشی نشان دادید؟ تمام اینها یک نوع بدبینی نسبت به دولت ایجاد کرده خوب من می‌گویم آیا دولت نشسته و فکر کرده که چرا رابطه‌اش با روحانیت خراب شده چرا رابطه‌اش با روشنفکران از بین رفته چرا با جوانان ارتباط خودش را از دست داده، بنده هر جا که می‌روم چندی نفری شعار می‌دهند و جلسه را به هم می‌زنند و به سروکله خودشان می‌زنند و تحریک می‌کنند، بقیه شعار علیه این نوع سیاست‌ها می‌دهند.

حالا در رابطه با سیاست داخلی بنده این را بازتر خواهم کرد که یکی از کارهایی که دولت می‌کند به نظرم برخلاف نص صریح فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام است. دولت مردم را خودی و غیر خودی می‌کند این را به خودش جذب می‌کند و آن یکی را خلاف سلیقه خودش می‌داند آن را از این جدا می‌کند.

مجری - آقای احمدی نژاد بفرمایید.

احمدی نژاد: خیلی متشکرم آقای موسوی فکر می‌کنم اگر تمام قضاوت‌های شما براساس این استنادات باشد باید یک تجدید نظر جدی بکنید.

من دوستانه به شما می‌گویم به شما علاقه مندم این جور قضاوت براساس اطلاعات غلط این بد است.

ملوانان انگلیسی دستگیر شدند، ماجرا اوج گرفت آقای بلر کتبا نامه داد، عذر خواهی کرد و گفت ما سیاست‌های مان را در رابطه با ایران عوض خواهیم کرد این سند الان در وزارت خارجه موجود است بعد هم ما تفکیک کردیم به نظر من یکی از زیباترین کارهای جمهوری اسلامی آزادی ملوآنها بود آنها 27 و 28 سال بود از جمله در دوره خود آقای موسوی ما را ضد انسان، ضد حقوق بشر، خشن و گروگانگیر معرفی می‌کردند انجا ما آمدیم مردم انگلیس را از دولت انگلیس جدا کردیم این کار به نظر من بهترین کار بود.

در موضوع عربستان برخلاف حرف آقای موسوی که من نمی‌دانم از کجا این اطلاعات را می‌آورد در نشست اوپک که ما رفته بودیم آقای ملک عبدالله ابتدا به ساکن، قبلا هم به من گفته بود که بیاید مکه من دعوت می‌کنم بیاید، در نشست سران اسلامی من گفتم نه من الان اینجا آمدم فرصت ندارم اول دولتتم هست، در اوپک ایشان به من گفت اگر دعوت بکنم می‌آیی مکه گفتم بله اگر شما دعوت بکنید من می‌آیم و دعوت هم فقط برای حج بود. سفر سیاسی آنچنانی که انتظار داشته باشیم نبود، ضمن اینکه خوب بود آقای موسوی تصاویر را ببینند وقتی ما وارد مطاف شدیم چه موجی در کل مسلمانها درست شد چه سخنرانیها و چه تظاهرات و فریادها و اظهار محبت‌هایی به ملت ایران کردند.

درموضوع هولوکاست خیلی جالب است آقای موسوی در همین عربستان رابطه ما الان چطور است رابطه آقای موسوی چطور بوده من نمی‌خواهم بگویم در دوره جناب آقای موسوی از گذرنامه و فرودگاه ایشان چه بردند انجا و دستگیر شد و چه بساطی علیه کشور راه افتاد اما همین مقدار می‌گویم که رابطه ما با آنها قطع شد. یعنی طوری عمل کردند در دوره آقای موسوی که رابطه از اساس قطع شد با عربستان، من تعجب می‌کنم حالا ایشان نگران رابطه با عربستان هستند بله ماهم نگران هستیم کی دائماً مقاله می‌نوشت بر خورده‌های تند می‌کرد جمعی از دوستانی که الان در مشارکت‌اند و الان در ستاد جناب آقای موسوی فعالیت می‌کنند اینها اصلاً اعتقاد نداشتن.

درموضوع فلسطین اشغالی خوب است که آقای موسوی ذهنشان را ببرند مواضع خودشان را مرور کنند. جناب آقای موسوی صریحاً اعلام کردند که ما نیروی نظامی می‌فرستیم در کنار مقاومت فلسطین علیه اشغالگران بجنکند، ایشان اعلام کردند که باید رژیم صهیونیستی محو بشود اما آقای موسوی ما بخواهیم وارد این جزئیات بشویم و تاکتیک‌ها را بحث بکنیم از مسیر منحرف می‌شویم. دیپلماسی عمومی امروز پیشرفته ترین و علمی ترین کار دیپلماسی است وقتی دشمن مواضع اصلی دنیا را گرفته ما اگر بخواهیم در میدان آن بازی کنیم که حتما شکست خورده‌ایم همین کاری که در دوره آقای هاشمی اتفاق افتاد و شما حمایت کردید در دوره آقای خاتمی اتفاق افتاد. حمایت کردید ما آمدیم خارج از فرمولی که قدرتهای بزرگ طراحی کردند وارد شدیم و این آموزه امام است امام هیچگاه قبول نکرد. فرمولهای آنها را اگر می‌پذیرفتیم انقلاب نباید می‌کردیم.

درموضوع هسته‌ای حتما شما اطلاع دارید روشی که در دولت قبل به نام تنش زدایی درپیش گرفته شد به جایی رسید که تمام تاسیسات هسته‌ای ما به‌طور کامل تعطیل شد و دو تا قرار داد برملت ما تحمیل شد یکی پروتکل الحاقی بدون مصوبه مجلس و برخلاف قانون اساسی و دو ترتیبات اجرایی، در پروتکل الحاقی مأمورین آژانس آزادند هر لحظه‌ای ازهر نقطه ایران بازدید کنند هدف چیست، هدف این است که قدرت دفاعی ما را کشف کنند بدهند دست دشمن، و در ترتیبات اجرایی یک بندی آوردند که هر اندیشه و طرحی در ذهن دانشمندان ما درموضوع

هسته‌ای شکل می‌گیرد قبل از هر اقدام باید مأمورین آژانس را مطلع کنند سنگین تر از این تحمیل بر ملت نمی‌تواند باشد در حالی که طبق آن پی‌تی‌ما می‌توانیم هر فعالیتی بکنیم 180 روز قبل از غنی‌سازی باید اطلاع بدهیم.

تاسیسات تعطیل شد، سنگین‌ترین تعلیق، همه تاسیسات پلمپ شد دو تا قرارداد پذیرفته شد در همان فاصله جناب آقای موسوی جهت اطلاع حضرت‌عالی می‌گویم هفت قطعنامه شورای حکام علیه ما صادر شد درحالی‌که عقب نشینی مطلق بود، قطعنامه شورای حکام به لحاظ حقوقی بسیار مهمتر از قطعنامه شورای امنیت است شورای امنیت قطعنامه اش سیاسی است اعتبار حقوقی ندارد اما شورای حکام قطعنامه اش حقوقی است ما را ملزم می‌کند که کارهایی را انجام بدهیم، تمام ادعاهای آژانس در شش سرفصل در دوره این دولت حل و فصل شد و ما نامه اش را از آژانس داریم که گفتند مسایل اساسی ما حل شده است در وسط این بحث‌ها آمریکاییها یک ادعایی کردند آنها دارند این را دنبال می‌کنند که ما هیچ‌وقت آن را به رسمیت نشناختیم در سعد آباد در بروکسل در پاریس چه گذشت جناب آقای موسوی امروز ما هسته‌ای شده‌ایم برای سه تا سانتریفیوژ صورت مذاکرات را شما بخوانید چقدر از این طرف خواهش می‌شود امروز بیش از هفت هزار سانتریفیوژ دارد می‌چرخد آقای بوش بعد از این همه همکاری در افغانستان و در موضوع هسته‌ای اعلام کرد ایران محور شرارت است تعجب می‌کنیم انجا ابروی ایران نرفت ایران را تهدید کرد به حمله نظامی اما امروز چه، همان آقای بوش در اواخر عمر حکومتش اعلام کرد ما دنبال براندازی ایران نیستیم و آقای اوباما هم به صراحت اعلام کرد.

27 سال در دوره جنابعالی، جناب آقای هاشمی و جناب آقای خاتمی، آمریکا به دنبال براندازی بود. امروز آمریکا رسماً اعلام می‌کند که ما به دنبال براندازی نیستیم.

کدام سیاست خارجی موفق بوده و کدام ذلت آفریده است. کدام سیاست خارجی استقلال ما را حفظ کرده و کدام بیشتر امتیاز داده و دست‌آوردی نداشته است.

15 سال اروپاییان می‌گفتند، ما می‌خواهیم گفت و گوی انتقادی کنیم با ایران. هر روز می‌آمدند و می‌گفتند که آقا ایران حقوق بشر را رعایت نمی‌کند.

بنده دو تا سوال کردم راجع به هولوکاست. دوتا سوال تمام نظام حقوق بشر غربی بر اثر آن زیر سوال رفته است. آنها دارند فریاد می‌زنند. من تعجب می‌کنم. اسرائیلیان فریاد می‌زنند. غربیها هم فریاد می‌زنند. بعضی دوستان هم می‌گویند آبروی ایران رفت. چطور آبروی ایران رفت. ما که نباید بنشینیم دشمن بیاید در خانه ما. بعد شروع کنیم با او مواجه بشویم.

امروز تهدید برای همیشه از ایران برطرف شده است. البته همه اینها به همت ملت بزرگ. ایستادگی ملت بزرگ. فداکاری ملت بزرگ. رهبری عزیز و عنایات حضرت ولی عصر علیه سلام بوده است.

من تعجب می‌کنم. آقای موسوی بد نیست یک سفر خارج از کشور بروند و ببینند که دولتها و ملتها چگونه از ایشان استقبال می‌کنند.

در دوره خود ایشان، ایشان چندتا مسافرت خارج از کشور رفت. آن موقع ایران سرافکنده بود یا الان، البته نمی‌خواهم بگویم که آن موقع ایران سرافکنده بود خیر آن موقع هم عزیز بودیم ولی از دید قدرتهای بزرگ نه.

اگر نگاه جناب عالی (آقای موسوی) این است که ما باید سعی کنیم چهار تا قدرت بزرگ را راضی کنیم، این برخلاف نظر امام، برخلاف منطق و استقلال ما است.

اما اگر نه ما باید با توده‌های وسیع ملتها و دولتها ارتباط داشته باشیم. در چهار سال بیش از 60 رییس دولت به ایران سفر کرده است. در هیچ دوره‌ای سابقه نداشته است. ما عزیز نیستیم. 118 عضو جنبش عدم تعهد از برنامه هسته‌ای ما حمایت کرد.

من حالا اینجا می‌خواهم بگویم، جناب آقای موسوی سوال می‌کنم از شما که در زمان آقای هاشمی تورم شد 49.5 درصد، 49 میلیارد دلار استقراض خارجی کردیم. بحران‌های اجتماعی بسیاری از شهرهای بزرگ ما را در برگرفت و عده زیادی کشته شدند، شما احساس نگرانی نکردید؟ وقتی که تحریم شد و 20 میلیون دلار آقای کلینتون گذاشت مبنی بر اینکه هر شرکتی که بالای 20 میلیون دلار با ایران قرارداد نفتی ببندد، تورم شد 49.5 درصد شما (چرا) نگران نشدید؟

وقتی که جریان برانداز در 18 تیر شروع کرد و می خواست تهران را بگیرد و حرکت کند به سمت مرکز حکومت و علنا هم اطلاعیه دادند و از بیرون از کشور هم حمایت شدند و به قول خودشان می خواستند انقلاب مخملی را راه بیندازند شما (چرا) نگران کشور نشدید؟

مجری برنامه خطاب به احمدی نژاد: آقای احمدی نژاد اگر ممکن است کوتاه، وقتتان گذشت...

احمدی نژاد خطاب به میرحسین موسوی گفت: شما نگران نشدید. امروز (به من) می گوید چرا گفته‌اید هولوکاست. من از شما سوال می‌کنم چرا نباید بگوییم هولوکاست.

ما باید بنشینیم و اروپاییان ببینند راجع به حقوق بشر ما حرف بزنند یا ما باید بگوییم شما آزادی ندارید. استعمار دارید می‌کنید. ملت‌ها را دارید خفه می‌کنید. سیاست خارجی این دولت، سیاست برآمده از متن مردم. متن خط امام و عزت آفرین است. می‌بینید. چطور شد که آنها عقب نشینی نکردند. امروز مساله هسته‌ای ایران در دنیا مساله دست دهم شده است.

درحالی که که یک روزی اینجا به ما گفتند، خط قرمز را بگذارید شورای امنیت. خب شورای امنیت هم رفت. عبور کردیم. چه کار کردند. تحریم کردند. الان چه کار می‌توانند بکنند. اصلا مگر می‌شود از موضع نرمش در برابر مستکبرین ایستاد.

درهمین تهران، آقای موسوی مقاله نوشتند، دوران امام، شما سکوت کردید. دولت وقت از آن مقاله نویس حمایت کرد. شما سکوت کردید. شما نگران شدید؟ من به شما علاقه‌مندم ولی نمی‌توانم از اتهامات بی‌اساسی که به ملت زده می‌شود یا توهین‌هایی که به ملت می‌شود از اینها بگذریم.

میرحسین موسوی گفت: صحبت از خط امام شد. من جا دارد که یک خاطره‌ای از حضرت امام در اینجا نقل بکنم. یک موقعی اسرائیلی‌ها آمدند و حمله کردند به جنوب لبنان و در داخل کشور همه به این اتفاق رسیدند که ما باید نیرو بفرستیم و به اصطلاح اسرائیلی‌ها را بیرون کنیم و کنار لبنانها بجنگیم.

آن موقع شهید همت هم قرار شد که رییس لشکریایی باشد که قرار بود بفرستند. نیروهای را هم پیشاپیش اعزام کردند که در لبنان بررسی کنند این نیروها باید در کجا مستقر بشوند.

آن شبی که فردایش قرار بود نیروها فرستاده بشود. بیاد دارم که جلسه روسای سه قوه بود و شهید همت هم آمده بود. مرحوم حاج احمد آقا هم آمدند و گفتند که خیر است این بحث و بعد گفتند که امام فرمودند راه قدس از کربلا می گذرد یعنی شما بپردازید به جنگتان. چه کار دارید به لبنان که نیرو بفرستید به آنجا. راه قدس از کربلا می گذرد. حالا ما بحث مان برساین قضیه است. ما می گوییم که نظام تصمیم گرفت که بگوید برای اینکه با هنجارهای بین المللی سازگار باشد ولی هدف خودش را دنبال کند در مورد اسرائیل فقط این حرف گفته بشود که ما موافق این هستیم که همه مردم فلسطین جمع بشوند. حتی آنانی که بیرون از کشور مهاجرت کرده اند.

اینها هر کس یک رای دارد. اعم از یهودی، مسلمان و مسیحی رای بدهند و سرنوشت خودشان را خودشان تعیین بکنند. این نیز به طور کامل با هنجارهای بین المللی سازگار است. جاهای دیگر هم عمل شد. بعد از جنگهای استعماری.

ما وقتی که به اجتهاد خودمان و بنا به تندروی خودمان. افراط گری خودمان. در موقعیتی که 20 سال است این شعار به همین شکل داده می شود. ما می آییم از این فراتر می رویم خوب همین جا است که مصیبت ایجاد می شود. به عوض اینکه اسرائیل را منزوی بکنیم آمده ایم او را بیشتر در معرض مظلومیت قرار می دهیم. در همین دوران در سوئیس، مساله ای که ایجاد شد اروپاییان بعد از کشتار غزه در مقابل اسرائیل بودند داشتند قطعنامه صادر می کردند و موضع داشتند. آن هم به خاطر موضع گیری و اشتباه ما و آن لطماتی که حیثیت ما خورد. همه شان پشت اسرائیل باز هم جمع شدند.

آپیک که بزرگترین نهاد صهیونیستی در آمریکا است وجود این سیاست را برای خودش نعمت می شمرد. ما حالا داریم همین را می گوییم که بر اساس همین چیزی که می گویند نباید خیال بافی بکنیم در مورد مسایل جهانی. واقع بینانه باید عمل بکنیم. با تدبیر باید عمل بکنیم. مشکلی که بنده دارم بر سر چیزهای دراز مدت نیست بلکه بر سر یک سری روشهای اجرایی معمول است.

ببینید آیا وزارت خارجه و مامورین حساس ما و آنهایی که آگاه هستند و نیروهای متفکر ما هستند چه در دانشگاه، چه در خود وزارت خارجه این مساله را تایید نمی کنند و نظیر این را ما یکی دو تا نداریم.

ببینید، بنده یک بحثی کردم، توی همین تبلیغات انتخاباتی هم گفته ام در هرزمینه ای با هرروشی که باشد اگر ما افراط داشته باشیم به دنبالش تفریط داریم.

برای مثال، ما می آییم این صحبت تند (هولوکاست) را راجع به اسرائیل می کنیم یعنی هولوکاست را مطرح می کنیم بدون اینکه به فایده و هزینه آخرش فکری بکنیم مبنی بر اینکه آیا این ما را به نتایج خودمان می تواند نزدیک بکند یا نه.

نتیجه اش این می شود که یک وقتی مشاهده می شود اوضاع بد شد معاون ما می آید و می گوید ما دوست مردم اسرائیل هستیم. آن درمقابل این است. یعنی آن افراط این تفریط را هم می آورد که او تصور بکند که ما دوست هستیم.

از این موضع هم دست بر نمی دارد، مگر اینکه یک تشری به او آمده باشد مبنی بر اینکه ایشان عقب نشینی بکند. آن وقت چگونه مردمی که غاصب هستند و تمام سرزمینهای فلسطین را گرفته اند و ما یک باره دوست آنها می شویم. من می گویم که این اظهار نظر درمقابل افراطی است که ما در آنجا کردیم.

حالا شبیه این را ما در مورد مسایل سیاسی و اقتصادی هم داریم که کم نیست و حالا من قصد ندارم که راجع به خلیج فارس یا به کشورهای دیگر رفتن صحبت کنم که هر کدام برای ما هزینه های سنگینی را به دنبال داشت.

مجری: آقای موسوی 21 دقیقه صحبت کردند و آقای احمدی نژاد 23 دقیقه. آقای احمدی نژاد بفرمایید.

احمدی نژاد گفت: خیلی ممنونم از آقای موسوی اجازه بدهید باز آن حرفم را تکرار کنم. آقای موسوی من بعضی وقتها دلم می‌سوزد یک اطلاعاتی را شما مطرح می‌کنید که می‌دانم از روی بی‌اطلاعی است.

من یک موردش را باز می‌کنم برای اینکه معلوم بشود که اطلاعات شما از کجاست. دانشجویان ستاره دار، این ستاره دار از کجا در آمد که آقای موسوی امروز می‌گوید در کله این دولت و استنادش هم به حرف یک عده‌ای است که من نمی‌دانم این عده کی هستند.

موضوع ستاره دار در زمان آقای معین درست شد سال 80 یعنی زمان دوست جناب آقای موسوی که امروز هم حمایت می‌کند از آقای موسوی. آنها آمدند از کارشناسی ارشد در برابر قبولی‌ها یک ستاره می‌زدند یک ستاره یعنی شما در آموزش مشکل دارید، پرونده کم است نقص دارد برو بر طرف کن، دو ستاره یعنی شما یک مشکلی در کمیته انضباطی داشتید تخلفی داشتید مراعات کنید. این در زمان جناب آقای معین وضع شد در همان سال اول این دولت منتفی شد ما نفی کردیم گفتیم این توهین به دانشجویان است وزیر علوم ما این را برداشت آن وقت جالب است آقای موسوی به جای اینکه به دوستانش انتقاد بکند به ما انتقاد می‌کند.

من واقعا متأسفم چه‌طور این جور شما قاطع قضاوت می‌کنید. شما می‌روید دور شما جمع می‌شوند ما هم می‌رویم مردم جمع می‌شوند حرف می‌زنند دیروز بنده در مشهد بودم این چند صد هزار آدم اینها مردم این مملکت نیستند. چرا شما خیال می‌کنید آنها که برای شما جمع می‌شوند فقط آدم هستند و مردم ایران هستند؟ اتفاقاً شما دارید مردم را جدا می‌کنید شما دارید، اینها را نگاه کنید من اینها را آوردم برای اینکه مشاهده کنید شما فرمودید کتاب بله بنده باشما هم نظرم نامه هم نوشته‌ام به وزیر ارشاد تذکر هم دادم آمارهای ما هم نشان می‌دهد نسبت به دوره آقای هاشمی و خاتمی ما کمترین میزان را داشتیم از نظر کنترل. من آن را هم قبول ندارم البته نامه مکتوب من خطاب به وزیر ارشاد هست.

اما جناب آقای موسوی جنابعالی هشت سال نخست وزیر بودید تنها یک روزنامه منتقد وجود داشت آن هم از سال 64 راه افتاد، که هفته‌ای یک یا دو نقد اقتصادی بر شما می‌نوشت که آمار ارقامی که من اینجا دارم الان آن نقدها را تایید می‌کند که خواهیم گفت.

چه فضایی شما برایش درست کردید خود جنابعالی چند بار علیه آن یک روزنامه صحبت کردید. من متن سخنرانی شما را دارم خواهش می‌کنم مراجعه کنید حافظه تاریخی نباید از دست برود که جنابعالی گفتید که شما در خط دشمنید. شما دارید ضد انقلابی عمل می‌کنید. شما دارید ضربه به کشور می‌زنید درحالی‌که آن گزارشی که آن روزنامه نقد کرده بود گزارشی بود از برنامه و بودجه خود جنابعالی، آمده بود رفته بود در کمیسیون کشاورزی مجلس یکی از افرادی که مرتبط بود آن را گرفته بود یک نقدی رویش نوشته بود.

این قدر فشار آوردید تا بخشی از آن نقدها تعطیل شد اما این‌ها را ببینید اینها چهار سال تیر توهین‌هایی است که به من و دولت شده است، تهمت‌ها بنده این‌ها را تحمل کردم شما در سخنرانی‌هایتان بنده را به دیکتاتوری متهم کردید این دیکتاتوری کدام دیکتاتوری است زمان آقای هاشمی هم همینطور بود اینکه شما می‌گویید باهم مقایسه نکنید اتفاقاً باید مقایسه کنم زمان آقای هاشمی یک روزنامه منتقد من کاری به مواضع آن روزنامه‌ها ندارم شخص رییس دولت بارها علیه آن روزنامه موضع‌گیری کرد تا بالاخره صدایش را انداخت در زمان آقای خاتمی هم که معلوم بود کسی مگر می‌توانست یک کلمه انتقاد کند همان علمایی که جنابعالی می‌فرمایید یکی شان یک اظهار نظر کرد کاریکاتورش را کشیدند که ما بعداً دیگر نداشتیم که علیه علما کسی کاریکاتور بکشند.

احمدی نژاد گفت: باز برای اینکه جنابعالی بدانید، یک دانشیار دانشگاه ما، پژوهشگر نمونه کشور ما علیه سیاست‌های پژوهشی یک مقاله نوشت. آنچنان مدیریت دانشگاه او را له کرد. توهین کرد. یک عده‌ای را راه انداخت... مرگ براو مرگ براو...

حالا اینکه من می‌گویم، آقای موسوی، آقای هاشمی و آقای خاتمی حرف درستی است.

شما سخنرانی دختر آقای هاشمی در جلسه‌ای که همسر شما و جناب آقای خاتمی هم حضور دارند را ببینید. ایشان قشنگ تشریح می‌کند و می‌گوید دوره اصلاحات ادامه راه سازندگی است. در این دولت آسیب دیده است. ما آقای موسوی را می‌خواهیم برای اینکه استمرار همان راه است. یعنی اشرافیتی که جناب آقای هاشمی در این کشور پایه‌گذاری کرد، قرار است ادامه پیدا بکند.

الان نگرانی. آقای موسوی مردم هم می دانند. جنابعالی فرمودید افتخار می کنید به حمایت آقای هاشمی. معنایش چیست. بالاخره یک معنایی دارد. باور ما این است که صحنه گردان اصلی آقای هاشمی است.

بالاخره ما می بینیم رییس ستاد انتخاباتی چه کسی است و اینها کجا می روند و جلسه می گذارند و چگونه ارتباطاتشان را برقرار می کنند.

شما نفرمایید که ارتباطی نیست. مگر می توانیم چشمان را ببندید مگر ملت می تواند چشم خود را ببندد. این حلقه ها چه شده است.

در این دولت چه خبر است؟ اینها فقط تیتراها است. 320 هزار تیر توهین آمیز علیه دولت. ما نه یک روزنامه ای را بستیم. نه فشار آوردیم. هنوز هم دارند می نویسند و به حمایت از شما علیه ما بدتر دارند می نویسند.

بحث های فراوانی کردید شما علیه این دولت. ما می خواهیم مقایسه ای داشته باشیم بین سه دولت که یادمان نرود چه بود درسه دولت. امروز چی شده است. شما فرمودید رابطه با روحانیت. شما بالاخره چند بار رفتید پیش مراجع. عددش را بگویید که بنده و مردم هم بدانیم. رابطه این دولت با علما رابطه بسیار خوبی است. شما چه ادعایی می کنید. معنایش حریت نیست. نقض حریت نیست. رابطه رابطه بسیار خوبی است ولی من تعجب می کنم. کسانی که نگاهشان و نظرشان را نسبت به مسایل اصلی و فکری بیان نکرده اند چطور می روند روی این مسایل جزئی انگشت می گذارند و می خواهند نتیجه کلی بگیرند. شما دولت را به بی قانونی و دیکتاتوری متهم کردید. دوره خودتان را یادتان هست، جنابعالی آقای موسوی. بر خلاف قانون اساسی آن حداقل اختیارات رییس جمهوری را با فضا سازی سیاسی از او گرفتید.

شما باید وزیران خودتان را می بردید رییس جمهور تایید نکند. برای اینکه اختلاف نظر داشتید کاری کردید امام وارد شد و امام یک گروهی را گذاشت برای اینکه وزرا تعیین بشوند. یعنی عملاً اختیار رییس جمهور از دست رفت.

درین نمایندگان مجلس کسی آیا جرأت داشت علیه شما حرف بزند. یادتان هست که دوستانان چه کردند. یکبار نمایندگان به شما رای منفی دادند. رای هم مخفی بود. اسامی اینها را رفتند استخراج کردند، اعلام کردند. اینقدر علیه اینها اسلام آمریکایی، اسلام آمریکایی گفتند که بعضی از اینها اصلاً خانه نشین شدند. این فضای تحمل. دولت بعدی هم همان است.

شما می گوید نظر نظام آن بوده است. خوب الان نظر نظام این است. شما چرا خودتان را جای نظام می نشانید. بنده موضع گیری کردم علیه ماجرای هولوکاست. رهبری هم تایید کرد. ملت هم تایید کردند. کی هست اینجا توی نظام که می گوید نظام تصمیم دیگری گرفته است. اگر از دید مردم صحبت می کنید. بالاخره مردم در شرایط مختلف مواضع خودشان را اعلام کردند. شما دولت را به بی قانونی متهم کردید. من نمی خواهم وارد این بشوم که 95 میلیارد تومان از حساب بانک مرکزی در دولت شما بدون مصوبه مجلس برداشته شد. در تعطیلات تابستان وقتی مجلس آمدید دعوایی در کشور درست شد.

مجری برنامه: آقای احمدی نژاد وقت شما تمام است.

احمدی نژاد: ده دقیقه تمام است؟ پس یک جمله را اجازه می دهید بگویم. من می خواهم یک مقدار راجع به این مدارک دانشگاهی صحبت کنم. شما آقای خاتمی را دکتر خطاب کردید. می دانید طبق مقررات ما کسی می تواند خطاب دکتر بشود که دکترای قطعی دانشگاهی داشته باشد یا حداقل امتحان جامع را گذرانده باشد. ایشان لیسانس فلسفه است، محترم هستند. اما بالاخره شما بیان کردید. آیا من می توانم راجع به پرونده آموزشی یک خانم صحبت کنم. بگویم؟

مجری: آقای احمدی نژاد وقت شما تمام شد.

احمدی نژاد: دور بعد صحبت کنم.

مجری: بله. دور بعد. خیلی متشکرم.

میرحسین موسوی گفت: بنده می‌خواهم بگویم یکی از مشکلاتی که در کشور ما الان هست شبیه همین روشی است که الان در این صحنه با آن روبه‌رو هستیم. مثل پرونده سازی. دنبال یک واژه‌هایی گشتن. مثلاً مسایلی مثل وزیر کشور و دولت را داریم که اگر رئیس دولت نمی‌دانسته که این فوق دیپلم هست و خودش را دکتر جا زاده خوب این نشان می‌دهد که ضعف اطلاعات داشته است و اگر فکر می‌کرده دارد و... خوب آن یک معنای دیگری دارد که خدای نکرده ذهنم نمی‌خواهد آنجا برود و بعد ما می‌آییم براساس این هم درمقابل مجلس قرار می‌گیریم، هم درمقابل مردم قرار می‌گیریم و یا پایان نامه‌های دانشجویان را به عنوان کاغذپاره قلمداد می‌کنیم. بعد همین فرد را آنقدر مورد اعتماد خودمان قرار می‌دهیم که برخلاف قانون یک معامله چند ده میلیارد دلاری، موقعی که ایشان وزیر کشور است در دفتر ایشان مشغول مذاکره و گفت و گو می‌شود که مسایل آن در روزنامه‌ها مطرح شد.

بعداً نوبت به یک معاون دیگر ایشان رسید. یک روز من از جلوی وزارتخانه رد می‌شدم، رفتم دوستم را ببینم دیدم که اینها مشغول مذاکره با رئیس فلان کمپانی هستند و من هم وارد بحث شدم.

خوب تمام اینها نوعی از ظن را در جامعه ایجاد می‌کند که خیلی ناراحت کننده است و یکی از دلایل این مشکلاتی که دولت فعلی پیدا کرده همین نوع رفتارهاست. بعد وقتی که مقاومت هم کارسازی ندارد بعد یک وزیر دیگر مطرح می‌شود که هنوز پرونده‌ای دارد در رابطه با اردبیل. خودش یک محل سوال است و این ثروت چند صد میلیارد تومانی. بعد در حساسترین پست گماشته می‌شود برخلاف خط و روشی که حضرت امام ترسیم کرده بود که وزیران را از بین چه کسانی انتخاب بکنید.

حالا من خیلی سریع برمی‌گردم به همان چیزی که ایشان به عنوان قانون‌گریزی به آن اشاره کردند. بله، یکی از دلایل اصلی حرف‌های من هم همین است. چرا که بنده معتقدم که استبداد صغیر به دلیل پشت کردن به قانون پیش آمده است. بنابراین عادت دادن مردم مقدمه اش اینجور شد که می‌شود قانون را شکست.

رضاخان در این کشور موقعی روی کار آمد که مردم را به تدریج عادت دادند به اینکه قوانینی که مجلس می‌گذراند بر اساس هر چیزی، حالا حقوق بشر بگیریم و... پشت سر گذارده شد. بنابراین من اینجا موارد بسیار سنگین و زیادی دارم مبنی بر اینکه دولت نه یک مورد نه دومورد، بلکه بارها به‌طور علنی در مقابل قانون ایستاده است و این بود که من واقعا احساس خوف کردم.

بنده نمی‌خواهم بگویم که ایشان خدای ناخواسته می‌خواهد خودش دیکتاتور باشد ولی فرض بکنید که هشت سال یک دولتی بیاید و این قانون را رد بکند و بگوید خوشم نمی‌آید. آن یکی را دوست ندارم. آن یکی به نفع کشور نیست. آن یکی اختیارات مرا محدود می‌کند.

خوب در آن صورت چی در کشور باقی ماند، اگر همه مردم کرخت بشوند و عادت کنند که برای مدت هشت سال قانون اجرا نشود.

هشت سال ما در کشور طوری عمل کنیم که رییس دولت و دولت قوانین را پشت سر خودشان بیندازند خوب بعد از هشت سال من نمی‌گویم در این دولت یک فراز و نشیبی بشود یا کسی در صحنه از همین حس استفاده بکند.

بنده اینجا به خودداری از اجرای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کنم، بنده نمی‌دانم که دولت می‌تواند که با یک قانون این طور رفتار بکند خوب یک قانون دیگری را باید جانشین بکند و ببرد مجلس و تصویب بکند تا بتواند از آن بگذرد.

انحلال غیر قانونی شوراهای عالی و خودداری از اجرای مصوبه مجلس و همچنین مصوبه تشخیص مصلحت، دولت پایش را در یک کفس کرده که من اجرا نمی‌کنم دوست ندارم حالا هزار بهانه می‌آورد من فکر نمی‌کنم از مجمع تشخیص مصلحت ما دیگر مرجعی بالاتر داشته باشیم که رای رهبر انقلاب هم پشت آن هست و حتی آنقدر مهم است که بر اساس مصلحت می‌تواند از مشکلاتی که شرعی داریم فراتر برود و آنجا همه تصویب کردند، مصوب شد که هیچ‌کس تا از این شوراهایی که دولت منحل کرده به جای اساسی خودش برگردد و دولت هنوز هم که هنوز

هست این را اجرا نکرده. یکی شورای پول و اعتبار است بنده به مردم می‌گویم که این تورم 25 درصدی یک دلیلش همین عدم برگزاری شورای پول و اعتبار است یک دلیلش این هست که دولت می‌خواهد تمام این اختیارات بانکها و تمام موسسات زیر دست خودش باشد کسی دخالت نکند، نماینده دادستانی نباشد، نماینده بخشهای مختلف نباشد نماینده بخش خصوصی نباشد خوب نتیجه‌اش این تورم و این وضعیت اقتصادی می‌شود که همه دادشان بالا است، صنعت در حال خوابیدن، تورم 25 درصد و این نتیجه‌اش است و نقدینگی دو و نیم برابر وضعیتی است از زمانیکه دوستان دولت را در اختیار گرفتند، هزینه کردن غیرقانونی از بودجه عمومی که بنده نمی‌خواهم این مسئله را بگویم، می‌گویم به صورت جلسات مجلس نگاه کنید و گزارش دیوان محاسبات عمومی که یکی از مهمترین سازمان‌های نظارتی کشور است.

انحلال سازمان برنامه و بودجه که مستندات قانونی آن هست بنده در این زمینه حساسیت دارم دلیلش این است که من حسی داشتم زمان مسوولیت خودم که یک عده‌ای ممکن است با برنامه مخالف باشند یک عده از اول انقلاب با برنامه مخالف بودن می‌گفتم شما بخدا توکل کنید بالا نعمت خدا می‌ریزد بر سرشان اصلاح‌خوششان نمی‌آمد می‌خواستند تک روی کنند.

به همین دلیل احساس خطر، بنده در مجلس بازمینی قانون اساسی سخنگوی بخش کمیسیون اجرایی بودم مسئله امور استخدامی و برنامه و بودجه مخصوصا پیشنهاد بنده است که در قانون اساسی ما بیاید جالب اینجاست تنها سازمانهایی است که در قانون اساسی آمده، خوب دوستان آمدند این را منحل کردند و تبدیل کردن به یک معاونتی که یقینا هیچگونه اختیاراتی نمی‌تواند داشته باشد.

زیر پا گذاشتن قانون مالیات مستقیم اگر لازم باشد جزییاتش را بنده بخوانم و دستور توقف اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده که اصلا در اختیار دولت نیست که چنین کاری انجام بدهد.

عدم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری، من لیستی می‌خوانم و مراحل بعدی ممکن است دانه دانه بگویم، الحاق غیرقانونی سازمان حج و زیارت به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، وقتی رهبری دخالت کردن این مسئله برگشت آن هم به صورت صریح در صورتی که مشخص بود این کار غیر قانونی است و نمی‌باید صورت بگیرد.

بی‌اعتنایی آشکار به احکام قانون دادگاهها، بنده یک موردی دارم، وزیر علوم درمقابل دیوان عدالت اداری که حکم داده و صریح می‌گوید اصلاً این کار را نکنند اما افتخار می‌کند و می‌گوید که من به این رییس دانشگاه که فردی انقلابی و جانباز بود گفتم در صورت اخراج نیز با ورود این متخلف به دانشگاه مخالفت کند و در مورد این موضوع رسانه‌ها به حمایت از رییس دانشگاه نپرداختند. بعد اینجا گفته شده چطور شده چند بار گفته شده که وضعیت این استاد چه هست ایشان صریحاً این نامه را نوشته خوب ایشان ممکن است با این فرد مخالف باشد برود از راههای قانونی راه حل پیدا کند که نباشد در اینجا ولی بی‌اعتنایی آشکار به مدرک جعلی آقای کردان و حمایت و نقض آشکار قانون ممنوعیت تصدی بیش از شغل است.

من فکر می‌کنم که دوستان عوض اینکه بروند پرونده سازی کنند و چیزهایی که جواب دارد دنبال این مسایل بروند بهتر است، بروند دنبال حل مسایلی که مشکلات کشور را حل بکنند و کشور را نجات بدهد از بحران‌هایی که هست بنده واقعاً صادقانه و بدون هیچ نوع شیله و پیله یکی از دلایل اصلی یکی از مهمترین انگیزه‌های من از ورود به صحنه انتخابات همین مسایل گریز از قانون بوده، می‌خواهم به مردم این را بگویم که اگر دولت چند بار نه یکبار گوید اشتباه کردم ولی دایم این را روش ادامه دهد از جایی که با سلیقه‌اش مخالف است درمقابل قانونی که مجلس تصویب کرده آن هم مجلسی که تا اندازه زیادی با خود این رییس جمهوری کاملاً همسو است بایستد بعد از یک مدتی مردم به این مسئله حساسیت خودشان را از دست می‌دهند آیا احساس خطر برای کشور نمی‌کنند آیا کشور روی پای خودش می‌ماند؟

مجری: آقای موسوی 30 دقیقه و 51 ثانیه صحبت کردند و آقای احمدی نژاد 34 دقیقه و 17 ثانیه.

احمدی نژاد گفت: من باید دوباره تکرار کنم آن جمله قبلی را درباره قضاوت‌های جناب آقای موسوی، این دولت قانون را زیر پا گذاشته؟ شما استنادتان فقط به یک مصوبه مجلس است آن هم قانون شوراهاست، شورای نگهبان می‌گوید این خلاف قانون اساسی است مجمع تشخیص می‌پذیرد اگر شما می‌خواهید قانون را اجرا کنید و واقعاً معترضید شما دو خط بنویسید به دیوان عدالت اداری ما قانون داریم که اگر دولت برخلاف قانون عمل کرد می‌اید باطل می‌کند.

بگذارید دو تا عدد بدهم.

مجری: آقای احمدی نژاد شما 8 دقیقه بیشتر فرصت ندارید.

احمدی نژاد شما ادامه بدهید سه تا چهار ساعت بگذارید بالاخره آقایون دارند همه باهم حمله می کنند و می زنند، 45 دقیقه فرصت می دهید سه نفر در برابر یک نفر، اشکال ندارد.

طبق اسنادی که ما داریم در دولت قبل تعداد مصوباتی که باطل شده است 303 تا است در دولت ما 157 تا، مصوباتی که از ما توسط دیوان عدالت اداری باطل شده 3.2 درصد و دولت قبل شش و نیم درصد، کی بیشتر تابع قانون است؟ و اصلاحاتی که ما انجام دادیم در ایرادات مجلس بیشترین است اتفاقاً ما داریم عین آن قانون مصوب مجمع را اجرا می کنیم شما با دو تا حقوقدان صحبت کنید توجیه می کنند شما را اگر فکر می کنید واقعا ما داریم نقض قانون می کنیم یک یادداشت می دهید دیوان عدالت اداری. این قانون اساسی ماست هر کس هر جایی بود این را باطل می کند و الا اینکه در فلان جا این اتفاق افتاد بله یک کشور بزرگی است در گوشه و کنار در دوره شما مگر کم از این اتفاقات افتاد. ما دنبال پرونده سازی هستیم؟

ماجرای کردان به این ترتیب است که در دهه هشتاد یعنی از سال 70 به بعد اتفاقاً در دوره آقای هاشمی که حامی جناب آقای موسوی است یک موجی در مدیران درست شد که همه می خواستند دکتر بگیرند دانشگاه آزاد هم پشت قضیه بود دکتر صادر کرد پشت سر هم یک موج درست شد کردان هم یکی مثل همان ها، من در مجلس گفتم این جور مدارک را من ارزشی برایش قایل نیستم استاد دانشگاه دکتر باید کسی باشد شب نخوابی کشیده باشد زحمت کشیده باشد این همه افراد در کشور دارند زحمت می کشند برای درس من گفتم هیچکدام از اینها را قبول ندارم، می شود فهرست را بیاوریم چقدر از آدم ها دوره آقای هاشمی و موسوی همینطور رفتند دکترای قلابی گرفتند آقای کردان هم یکی اش حالا یک دانه را روش انگشت گذاشتند.

من در مجلس گفتم این را قبول ندارم مدرک را بگذارید کنار عملکرد ایشان را بیاورید راجع به یک کس دیگر که می گویند صدها میلیارد من نمی دانم واقعا یک کسی بوده فرمانده لشکر بعد در

دوره آقای هاشمی و آقای خاتمی رفته در کار اقتصاد پولدار شده زمانی که پولدار بود من بهش گفتم بگذار کنار بیا تو دولت آمد اما جناب آقای موسوی بسیاری از مدیران شما و آقای هاشمی با دست خالی آمدند و با یک امتیاز دلار هفت تومانی و با واردات و صادرات میلیاردی شدند.

آقای صفایی فراهانی مدیر دولت شماست از دولت شما پولدار شده فهرست بلندی است من نمی‌خواهم اینجا اسم ببرم شما می‌گویید میلیارد شدند، پسرهای آقای هاشمی چه کار می‌کنند در کشور؟ کدام یک از وزرای بنده در دوره وزارتشان میلیارد شدند یا رانته را خوردند یا ملکی را گرفتند؟

من فهرستی دارم از زمین‌هایی که مدیران گرفتند برایتان بخوانم 40 هکتار، 50 هکتار، 80 هکتار و 400 هکتار در دوره واگذاری بیشترین مشکلات ما در کارگاهها برای واگذاریهای دوره قبل از این دولت است کی گرفته کسانی که الان دارند از جنابعالی حمایت می‌کنند این هزینه سنگین تبلیغاتی شما از کجا می‌آید.

آقای موسوی من دوست دارم شما را، این چه نحوه هزینه کردن است از کجا می‌آید. یک مورد رشت الکترونیک بدون هیچ مزایده‌ای دادند به دوستان جناب آقای کرباسچی، همسر آقای کرباسچی و همسر آقای قبه، کارخانه را از بیخ تراشیدن زمینش را بفروشد و دهها مورد اینطور، 400 هکتار زمین در هرمزگان گرفتند مردم برای دو هکتار و چهار تا جوان بتوانند بروند سرکار لنگند.

بی قانونی اینهاست جناب آقای موسوی. استات اوایل بی قانونی است که طرف می‌آید اینجا محاکمه می‌شود و محکوم می‌شود از زندان فراری داده می‌شود و می‌رود خارج و تهنش پسر آقای هاشمی است!

بی قانونی در پسران بعضی از همین آقایانی است که امروز از شما حمایت می‌کنند. پسر آقای ناطق چه طوری میلیارد شد؟ خود، آقای ناطق چه طوری دارد زندگی می‌کند اینها حامیان شما هستند بی قانونی اینهاست جناب آقای موسوی ما قانون را نمی‌پذیریم؟

یک مورد هم نمی‌توانید بیاورید. من اینجا پرونده‌ای دارم برای یک خانم. شما می‌شناسید در تبلیغات انتخاباتی کنار شما می‌نشیند، برخلاف همه قوانین کشور همزمان که کارمند بوده دو تا رشته فوق لیسانس خوانده در دانشگاه آزاد دکتر گرفته بدون کنکور و بعد در رشته غیر مرتبط دانشیار شده استادیار شده بدون اینکه شرایطش را داشته باشد رییس دانشگاه شده اینها بی‌قانونی است.

من با اینها مخالفم من می‌گویم با رانت بازی و باند بازی و این جور چیزهایی که یک عده ببرند بقیه محروم باشند من با اینها مخالفم جناب آقای موسوی نه با قانون، بنده تابع قانونم و دولت ما قانون مدارترین است، من وارد آمار نشدم برای اینکه در همین دوره‌ای که می‌گوید اقتصاد ضربه خورده بهترین وضعیت اقتصاد نسبت به قبل است نسبت به دوره شما که عالی است نسبت به قبلی‌ها هم، اینجا گزارش هست دقیق، آماری است که منتشر شده اما من سوال می‌کنم گزینش‌ها را امام در زمان چه کسی منحل کرد در زمان ما یا زمان شما.

یک خاطره، عرضم تمام! آقای مهندس نقره‌کار باجناب عالی دعوت کرد، رفتیم جزو تجدید نظر گزینش. پرونده‌هایی را می‌دادند به ما یک دختر خانمی آمد بهش می‌گویند فلان سوال را جواب بده اگر جواب می‌داد می‌گفتند خیلی مسلط بود باطل اگر جواب نمی‌داد می‌نوشتند، این‌ها را من دیدم با چشم خودم فرمان هشت ماده‌ای برای جناب عالی صادر شد نه برای این دولت شما بگویند چقدر آن را اجرا کردید.

مجری: آقای موسوی بفرمایید، 12 دقیقه وقت دارید.

موسوی گفت: خوب صحبت‌های مختلفی می‌کنند که واقعا من نمی‌دانم چطوری می‌خواهند جواب بدهند.

یکی از مشکلات صحبت کردن با آقای احمدی نژاد همین‌ها است. یک چیزهایی است که یک کمی غیر عادی و غیره منتظره است، ایشان می‌گویند شما به دیوان عدالت اداری نامه بنویسید فلان مصوبه را لغو کند.

احمدی نژاد: شما ادعا می‌کنید غیر قانونی بوده!

موسوی: وقت من را نگیرید، ببینید همین روحیه شما است که الان خود صدا و سیما هم می‌دانند که کی‌ها هستند تو رجانیوز در اینجا هم هستند ما می‌دانیم چطوری اینجا عمل می‌کنند.

می‌گویند چیزی بنویسید دیوان عدالت اداری آیا راه برخورد با مجلس یا مجمع تشخیص مصلحت این است جایی که ریش سفیدهای نظام آنجا نشسته‌اند جایی که پشت سرش مشروعیتش را از کل قانون اساسی و رهبری می‌گیرد آیا به این ترتیب مسئله کشور را می‌شود اداره کرد؟ من می‌ترسم. مشکل هم سر همین قضایاست.

در یک چیزهایی که بین و آشکار هست طوری عمل نکنیم، طوری حرف بزنیم که اول برویم به سمت اشتباه و اینجا می‌خواهیم اصلاح کنیم همین است که منجر به دیکتاتوری می‌شود ایشان می‌گویند چرا می‌گویند من دیکتاتور هستم من نگفتم دیکتاتور هستید ولی این روش قطعاً به دیکتاتوری می‌انجامد که شما رای خودتان را به جمع مجمع تشخیص مصلحت بتوانید ارجحیت بدهید و از رای مجلس هم بالاتر بدانید.

بحث اسامی را بردند ما فکر می‌کنیم واقعا شایسته یک مسوول دولت نیست که کسانی را که محکوم نشده‌اند در قوه قضاییه نام آنها مطرح شود.

این جرم است ما اینجا نام ببریم بدون اینکه قدرت دفاع از خودشان داشته باشند. شما یک افرادی را دارید مورد حمله قرار می‌دهید که در این صحنه حضور ندارند و آن را قاطی سرنوشت بنده می‌کنید، ظاهراً چیزی از بنده نداشتید آمدید حالا وصل کردید من را به دو دولت قبل.

من بدون اینکه بخواهم از آنها دفاع بکنم واقعا به آنها حق می‌دهم که از دست شما عصبانی باشند مردمی که این صحنه را نگاه می‌کنند این را نپذیرند از رییس جمهورشان که یک شهروند را شما فکر نمی‌کنید که آقای هاشمی چه کار کرده در این مملکت یا خاتمی چه کار کرده رییس جمهور بودند کی بودند. ولی شما به‌عنوان یک شهروند هم باید به ایشان حق بدهید در جایی که نمی‌توانند از خودشان دفاع بکنند در یک جمع 50 میلیونی که حداقل امروز مردم دارند این صحنه را نگاه می‌کنند شما متهم می‌کنید، اسم خانواده‌شان را می‌برید، بچه‌ها ایشان را نام می‌برید

کسان دیگری را نام می‌برید. بنده می‌گویم قوه قضاییه حکمتش این است و آقای احمدی‌نژاد اینک می‌گویم بدانید قوه قضاییه در جهان معنایش این است وقتی کسی را محکوم می‌کند یعنی بقیه ملت بری هستند.

این اصل اسلامی است شما از اول کار خودتان شروع کردید گفتن که هزاران مفسد در این کشور است پرونده را می‌خواهم باز کنم اسامی را می‌خواهم نام ببرم. رییس بانک پارسیان را برداشتید لجن مالش کردید بعد مشاور خودتان کردید و دیگران را همین‌طور خوب اینها گناه دارد. ما مسلمان هستیم ما متدین هستیم ما به خدا اعتقاد داریم نمی‌توانیم افراد را همین‌طور نام ببریم و متهمشان بکنیم.

در مورد واگذاری هکتاری، اگر این کار را کرده‌اند خیلی کار بد و غلطی بوده اما چه ربطی به بنده دارد.

شما می‌گویید چرا از من حمایت می‌کنند. بنده گفتم هر شهروند یک ستاد، مثل بعضی دوستانی که بنرهایشان همه سطح جهان را پوشانده و از تمام امکانات دولتی استفاده می‌کنند از ادارات و از خود وزارت کشور استفاده می‌کنند از صدا و سیما استفاده می‌کنند بنده استفاده نکردم. در آنجا را باز کردیم روی همه، هسته خیلی سالمی داریم که یک نفر راجع به آن هسته نمی‌تواند حرف بزند افراد بسیار وارسته بسیار معتقد و مومن در آنجا هستند که اگر غیر از این بودند الان شما نام می‌بردید شما روحیه تان اینطوری هست آنها را معکوس می‌کردید ولی نیستند آنها آدم‌های وارسته‌ای هستند.

درها را باز گذاشتیم هر که از ما حمایت می‌کند، استقبال می‌کنیم هیچ دلیلی ندارد که استقبال نکنیم از همه ملت استقبال می‌کنیم که از بنده حمایت بکنند رای بدهند تا تغییر ایجاد بکنیم بنده این را گفتم الان هم می‌گویم به همه مردم می‌گویم اگر بخواهید این فضا عوض بشود اینجوری راحت دیگران را معکوس بکنند، ایشان جلوی بنده عکس خانم بنده را می‌گیرد که این را اینجوری کردن اینجوری کردن. ایشان مهمترین روشنفکر زن این کشور هست ده سال برای دکترای علوم سیاسی زحمت کشیده سندهایش هست مدارکش هست، سایت‌های مرتبط با شما

برگشتند علیه ایشان جوسازی کردند، ایشان قرآن پژوه است بله ایشان افتخارش این است که فوق لیسانس رشته هنر هم دارد دکترای علوم سیاسی هم فوق لیسانس علوم سیاسی هم دارد.

شما ببینید آن موقعی که کنکور بوده برای دانشگاه آزاد بروید آن را بررسی کنید بنده خبر دارم و متأسفانه یکی از دلایل مشکلات دولت همین است، معاون اجرایی آقای رییس جمهور به جای اینکه مشغول حل مشکلات مردم باشد مشغول رفتن و سرکشی به این پرونده و آن پرونده به آنجا و اینجا است که یک چیزی بسازند که به درد امشب بخورد.

بنده آمده‌ام که این روحیه را عوض می‌کنم. آن چیزی که در فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام هست برخلاف این روحیه است و بنده این حالت پرونده سازی، سیاه کردن برنامه‌ها، سیاه کردن دانشجویان و امثال اینها را عوض می‌کنم.

ایشان می‌گویند، ستاره کردن کارزمان آقای معین بوده است. خوب کاری ندارم اگر ایشان هم این کار را کرده باز کار بدی کرده است ولی به نظر نمی‌رسد که اینجور به آدم‌ها گیر داده باشند و شکنجه کرده باشند.

برای وارد شدن به این دوراز انتخابات من هیچ انگیزه‌ای نداشتم. در مدت چهار سال دولت فعلی هم من هیچ سخنی نگفتم. فقط دیدم شما دارید کشور را به خطر می‌اندازید. بنده در برنامه‌های دیگر مسایل اقتصادی را مطرح خواهم کرد که با چه روشی شما کشور را دارید اداره می‌کنید. برای مثال همین عدم تشکیل شورای پول و اعتبار، عملاً بانکها را تبدیل به حیات خلوت شما کرده است. من می‌گویم این سیاست قجری است. مگر حکم قجری یا حاج میرزا آقا آغاسی چه کار می‌کرده است. یک خزانه داشته است. دستش را می‌کرد توی این به این تخصیص می‌داده به آن تخصیص می‌داده است.

آقا شورای پول و اعتبار برای این است که شما را محدود بکند، بنده را محدود بکند. سازمان برنامه مدیریت و برنامه ریزی برای این است که نگذارد شما هر جور دلت خواست هزینه بکنید. بیاید و از شما حساب کشی بکند. که در نتیجه این چیزی که دیوان محاسبات ما می‌گوید، پولها

گم شد یا به خزانه ریخته نشد. چند هزار تخلف شد. این مسایل نباید پیش بیاید. خوب این به صلاح همه ما هست. به صلاح شما هم هست به صلاح همه ملت ماست. شما این کار را نکرديد.

بينيد، بحث بنده از روی دلسوزی است. رسماً از روی طرح مشکلی است که اگر ادامه پیدا بکند و اگر بقیه ابعادش را هم بشکافم خواهیم دید که همین مسایلی چون بیکاری، تورم و اعتیاد و بد فرهنگی هم نتیجه و ناشی از این سیاستهاست و شکست ما در سیاست خارجی هم همین مساله است و بالاخره اینکه اگر می بینیم در سطح منطقه یک کشور دوست نزدیک نداریم باز هم ناشی از همین قضیه است و تماماً برمی گردد به این چیزهایی که من در چارچوب همان طرحی که گفتم و دوباره برای شما می خوانم، ببینید که آیا مسایل اثر دارد یا ندارد.

بنده چهار، پنج تا ویژگی هایی که در این نوع مدیریت وجود دارد و ما را به این بن بستها می کشاند را برای شما مطرح کردم. به هر حال می ارزد در این چهار دقیقه باقیمانده از وقتی عنوان بکنم. ولی چون آقای احمدی نژاد ما را مجبور کرد چیزهایی بگویم که خوش نداشتم در این جا مطرح بکنم.

به هر حال یک مدیریت هیجانی بی ثبات، نمایشی و شعاری. خیال بافی و خرافه گرایی. ما مرتب داریم می شنویم که اسرائیل در حال فروپاشی است. خوب براساس این ما سیاست خارجی تدوین می کنیم. خوب معلوم است که به بیراهه می رویم. معلوم است که اشتباه می کنیم و این خود محوری و قانون گریزی است.

خوب آدمی که قانون محور نباشد گرفتار قانون گریزی می شود. بنابراین اگر آدم قانون محور نباشد از قانون فرار می کند. دوست هم ندارد قانون را. اما آدم قانون محور می رود و از راه قانونی مسأله را حلش می کند. حتی اگر قانون را هم دوست نداشته باشد.

در مورد این روزمرگی ها و سطحی نگری ها و سایر این مسایل و به ویژه آن افراط و تفریط هایی که اینها در این چهار سال گذشته به ملت ما خسارت زده و لطمه زده بعد صحبت خواهیم کرد.

اما حالا پیام خودم را به مردم می دهم مبنی بر اینکه از مردم بوده ام و به مردم برمی گردم. مسلماً مردم در این باره قضاوت خواهند کرد می توانند راجع به این دوره هم قضاوت بکنند. در این

زمینه می‌توانند ببینند که رویه‌ها و سیاست‌ها چگونه است و براین اساس آنها می‌توانند واقعا تصمیم بگیرند. این بود که من این را برای کشور خطرناک دیدم و از روی احساس وظیفه آمدم.

در پایان من از همه مردم تشکرمی کنم و مردم را به ارزش‌ها دعوت می‌کنم. مردم را خوار کردن و برای یک نامه به دنبال ماشین خود کشیدن به عنوان اینکه ما سیاست رو در رو با مردم داریم. این روش کار نیست.

برای مردم باید تولید ایجاد کنیم. کار ایجاد بکنیم. تولید ملی و صنعت خودمان را تقویت بکنیم تا شاهد برخی نابسامانیها نباشیم. مثلا محصول هم‌دان سیر است اما مردم آنجا می‌گویند از وقتی که سیر چینی وارد شده نمی‌توانیم سیر بکاریم، نباید شاهد این نابسامانی باشیم.

گروه سیاسی آفتاب